

داستان آرزوی و قمبر

باز آفرینی: اسدالله شعبانی

تصویرگر: فرناز صبانیک



سرشناسه: شعبانی، اسدالله، ۱۳۳۷ -
 عنوان قراردادی: آرزوی و قمبر - اقتباسها
 عنوان و نام پدیدآور: داستان آرزوی و قمبر / به روایت اسدالله شعبانی؛ تصویرگر فرناز صبانیک.
 مشخصات نشر: تهران: توکا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری ۲۸ص: مصور (رنگی). ۱۶/۵ × ۲۴/۵ س.م.
 شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۴۵-۹۷-۴:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب حاضر اقتباسی از کتاب «آرزوی و قمبر» اثر حبیب ساهر می‌باشد.
 موضوع: ساهر، حبیب، ۱۲۸۲ - ۱۳۶۴. آرزوی و قمبر -- اقتباس‌ها
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: 20th century -- Persian fiction:
 موضوع: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع: 20th century -- Young adult fiction, Persian:
 شناسه افزوده: صبانیک، فرناز، ۱۳۷۲ -، تصویرگر
 رده بندی کنگره: PIR8۱۲۳/ع۳۹۵۲ ۱۳۹۷:
 رده بندی دیوید: ۸۲۳/۶۲: [ج]
 شماره کتابخانه ملی: ۵۱۷۱۵۰۲



انتشارات تونا

داستان آرزوی و قمبر

بازآفرینی: اسدالله شعبانی

تصویرگر: فرناز صبانیک

صفحه آرا و ناظر هنری: مهدی قادر

گروه سنی: ج - د

لیتوگرافی و چاپ: نقره آبی، نوبت چاپ: چاپ اول ۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه - قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری

پلاک ۶۱ واحد ۲۳ B

تلفن: ۶۶۹۵۵۹۲۳ نمابر: ۶۶۹۷۱۲۷۸

شابک: ۹۷۸۹۶۴۶۶۴۵۹۷۴

tooka_book@yahoo.com

Tookabook.ir

سخنی با خوانندگان

با همه دلبستگی که به زبان و ادبیات فارسی دارم و با همه شیفتگی که به بزرگانی چون فردوسی، مولوی، خیام، سعدی، حافظ و دیگر نامداران شعر فارسی در خود سراغ دارم، باز باید اعتراف کنم آنچه بیش از همه تارهای دل مرا به لرزه در می آورد، بومی سرودهای میهنی ماست. چه به زبان فارسی باشد چه به زبان آذری، کردی، لری و گویش ها و لهجه های گوناگونی که در این کهن بوم و بر پراکنده است. از این میان ترانه های فولکلوریک آذری را یکی از بهترین ها می دانم. از کودکی با این ترانه ها بزرگ شدم. ام در جشنواره ها و سوگواره ها با این ساز و سرود ها زیسته ام. خندیده ام. گریسته ام. هنر هم به این باورم که دستکار ذوق و هنر توده های مردم، دل نشین تر است و مردمی تر. **بایاتیلار** بخشی از این نوع ترانه های مردمی ست که چون از ته دل، سروده شده بی هیچ پند و پیرایه ای در سبک ساده راه یافته، در دل ها سیر و سفر کرده تا به ما رسیده است.

امروزه هم ما با شنیدن و خواندن آن ها لذت می بریم و از این همه سادگی و حس های دل انگیزشان شگفت زده می شویم. گزافه نیست اگر بگوییم بایاتیلار با بازی های کلامی که گاه در دو مصراع نخستین به مهمل می گراید، چنان جادویی و دل نشین است که اگر بنا باشد آن را با **هایکو** های ژاپنی مقایسه و ارزیابی کنند من تردید ندارم که کفه ی ترازوی بایاتیلار سنگین تر خواهد بود.

ادبیات امروز ما اگر بخواهد صدایش را به گوش دنیا برساند، می باید از این دست گنجینه های گرانبار، پایه و مایه بگیرد. چنانکه بزرگان شعر معاصر ما هم از همین گنجینه ها رهتوشه ها برداشته اند. **شهریار** در منظومه ی ارجمند **حیدربابایه سلام**، بسیاری از مضمون های بایاتیلار را به کار آورده و نیز از فرهنگ توده ها به فراوانی بهره گرفته است.

نیما یوشیج که در شعر فارسی راهی نو گشوده هم از فرهنگ بومی تبرستانی خود به زیبایی و مهارت تمام یاری جسته است و همین رنگ و آهنگ بومی شعر اوست که نامش را در میان فارسی گوین معاصر بر جایگاهی برتر نشانده است.

باری دل بستگی فراوان به بومی سرودها مرا برانگیخته است تا به این پهنه ها سرکی بکشم. چون کودکی هیجان زده، به این خوراکی های ذوقی مردمی ناخنکی بزنم!

در آغاز کار، آرزوی و قمبر را برگزیدم چرا که در نوجوانی روایت منظوم آن را از شاعر نامدار آذری **حبیب ساهر** خوانده و لذت برده بودم. از همان زمان آرزو داشتم روایتی ساده تر از این داستان باشقانه را برای نوجوانان هم فراهم کنم. به یاری خدا اکنون این آرزو برآورده شده و این داستان با روایت من و تصویرسازی هنرمند جوان، فرناز صبانیک به چاپ رسیده است.

گفتنی است که داستان آرزوی و قمبر هم مثل دیگر داستان های فولکلوریک دستخوش دگرگونی های شده روایت های گوناگونی از آن ثبت شده است. در بیشتر روایت ها قمبر را دانای راز، صاحب کرامت، با خبر از غیب، و یا مستجاب الدعوه دانسته و گاه او را به پیشوایان دینی متصل کرده اند. آرزوی را هم عموماً دختری مطیع و تابع سنت ها نشان داده اند که کاری از دستش بر نمی آید و گاهی فراموش نمی تواند بگذارد و...

کوشیده ام آن ها را از این قید و بند ها آزادکنم تا خودشان باشند. دختر و پسری در چنبره ی یک موقعیت اجتماعی ظالمانه در بستر سانسور ارباب و رعیتی که با نیروی عشق و دلبستگی به زندگی می خواهند این نظام را در هم شکنند و در این کار هم پیروز می شوند.

روبر با مید. اسدالله شعبانی ۱۳۹۷